



## A Study of the Nature and Characteristics of “Mature Wisdom” in Verse Five of al-Qamar from the View of Sunni and Shiite Exegeses

Gholam Hussein Arabi \* | Yusuf Farshadnia \*\*

Received: 2023 Apr 8 | Received in revised form: 2022 Oct 12 | Accepted: 2022 Dec 14 | Published: 2023 Jun 22

### Abstract

Mature wisdom or *ḥikmatun bālighah*, is one of the Quranic combinations which has given rise to various views regarding its meaning, referents, and especially, its characteristics. The present paper studies the nature and extracts the characteristics of “mature wisdom” in verse five of the al-Qamar Chapter utilizing a descriptive-analytic method (using the help of a content analysis table) and through the view of Shiite and Sunni exegesis (more than fifty Shiite and Sunni exegeses from different centuries). Findings show that most Shiite and Sunni exegeses consider “mature wisdom” to refer to the Quran. However, instances such as the following are also within the referential circle of “mature wisdom”: divine revelation, teachings and miracles of the prophets, and the course of the sending of the prophets by God. Mature wisdom possesses certain characteristics including the following: it is at the peak of the truth, steadfastness, rightness, completeness, and perfection, contains no defects, etc. In the characteristics extracted from Shiite and Sunni exegesis, epistemic categories such as infallibility and educational categories such as the wisdom to communicate to willing hearts are evident.



**Keywords:** mature wisdom, verse five of the al-Qamar Chapter, nature and characteristics, Shiite and Sunni exegeses.

\* Associate professor, Department of Quran and Hadith Sciences, University of Qom, Qom, Iran (corresponding author | [g.arabi@qom.ac.ir](mailto:g.arabi@qom.ac.ir). ORCID ID: [0009-0009-9686-3946](https://orcid.org/0009-0009-9686-3946)

\*\* Masters student, Hadith Sciences-Narrative Exegesis, University of Qom, Qom, Iran | [farshadnia.yusuf@gmail.com](mailto:farshadnia.yusuf@gmail.com). ORCID ID: [0000-0001-7884-8691](https://orcid.org/0000-0001-7884-8691)

Arabi, G.H.; Farshadnia, Y. (2022) A Study of the Nature and Characteristics of “Mature Wisdom” in Verse Five of al-Qamar from the View of Sunni and Shiite Exegeses. *Comparative Interpretation Research*, 9 (17) 55-75. Doi: <https://doi.org/10.22091/PTT.2023.9042.2198>.



## بررسی چستی و شاخصه‌های «حِکْمَةُ بَالِغَةً» آیه ۵ سوره قمر از دریچه تفاسیر فریقین

غلامحسین اعرابی\* | یوسف فرشادنیا\*\*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۱۹ | تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۰۵/۱۲ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۰۲ | تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۴/۰۱

### چکیده

حکمت بالغه، از جمله ترکیب‌های قرآنی است که درباره آن، آراء گوناگونی در بیان مراد، مصداق و به‌ویژه شاخصه‌های آن مطرح شده است. پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیلی (با کمک از جدول تحلیل محتوا) و از دریچه تفاسیر فریقین (بیش از ۵۰ تفسیر شیعی و اهل سنت از سده‌های مختلف) به بررسی چستی و استخراج شاخصه‌های «حِکْمَةُ بَالِغَةً» آیه ۵ سوره قمر پرداخته است. یافته‌ها از آن حکایت دارد که بیشتر تفاسیر شیعی و سنی، قرآن را همان «حِکْمَةُ بَالِغَةً» دانسته‌اند. باین حال مصادیقی چون: وحی الهی، تعالیم و معجزات انبیاء (ع) و سیر ارسال پیامبران (ع) از جانب حضرت حق نیز علاوه بر قرآن، در دایره مصداقی «حِکْمَةُ بَالِغَةً» قرار دارد. «حِکْمَةُ بَالِغَةً» شاخصه‌هایی دارد؛ از جمله: در نهایت راستی و استواری، حق، تام و کامل بودن، نبود نقصان در آن و غیره. در شاخصه‌های مستخرج از تفاسیر فریقین، مقوله‌های معرفتی نظیر عدم نقصان‌پذیری و تربیتی مانند حکمتی برای ابلاغ به قلوب مستعد مشهود است.



**واژگان کلیدی:** حِکْمَةُ بَالِغَةً، آیه ۵ سوره قمر، چستی و شاخصه‌ها، تفاسیر فریقین.

\* دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول) | g.arabi@qom.ac.ir

\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد علوم حدیث-تفسیر اثری دانشگاه قم، قم، ایران | farshadnia.yusuf@gmail.com

□ اعرابی، غلامحسین؛ فرشادنیا، یوسف. (۱۴۰۲). بررسی چستی و شاخصه‌های «حِکْمَةُ بَالِغَةً» آیه ۵ سوره قمر از دریچه

تفاسیر فریقین، پژوهش‌های تفسیر تطبیقی. ۹ (۱۷)، ۷۵-۵۵. Doi: 10.22091/PTT.2023.9042.2198

### مسأله پژوهش

بررسی واژگان و ترکیب‌های قرآنی، کمک شایانی در فهم و عمل بهتر آیات قرآن می‌کند؛ مانند ترکیب قرآنی «حِکْمَةُ بَالِغَةً» در سوره قمر که محل تأمل و تدبر است. از طرفی این سوره، ویژگی سوره‌های مکی را در بردارد که بحث‌های داغ از مبدأ و معاد است و مخصوصاً کیفرهای گروهی از اقوام پیشین را بیان می‌کند که بر اثر لجاجت و عناد و پیمودن راه کفر و ظلم و فساد، یکی پس از دیگری، به عذاب‌های کوبنده الهی گرفتار و هلاک شدند. به دنبال هر یک از این سرگذشت‌ها و عذاب‌های الهی و آیات انذار دهنده، آیه «وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِذِكْرٍ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ» تکرار شده تا درسی باشد برای مسلمین و کفار! (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۳، ص ۱۵)؛ درحالی‌که آیه پنجم از ویژگی حکمت بالغه: «حِکْمَةُ بَالِغَةً فَمَا تُغْنِي النُّذُرُ» (قمر/۵)، سخن به میان آورده است: «حکمت بالغه [حق این بود] ولی هشدارها سود نکرد». آگاهی از چستی «حِکْمَةُ بَالِغَةً» و همچنین ویژگی‌های آن که قرآن بعد از آن از مفید نبودن هشدارها خبر می‌دهد، از اهمیت و ضرورت برخوردار است. از طرفی، دیدگاه‌های گوناگونی در تفاسیر فریقین درباره چستی و شاخصه‌های «حِکْمَةُ بَالِغَةً» وجود دارد؛ برای نمونه، برخی مراد از حکمت مذکور را قرآن و برخی اعم از قرآن دانسته‌اند. از سویی با نظری به آیات قرآن، واژه «بَالِغَةً» در دو سوره قلم: «أَمْ لَكُمْ أَيْمَانٌ عَلَيْنَا بَالِغَةً إِلَى يَوْمِ الْتِيَامَةِ إِنَّ لَكُمْ لَمَا تَحْكُمُونَ» (قلم/۳۹) و سوره قمر: «حِکْمَةُ بَالِغَةً فَمَا تُغْنِي النُّذُرُ» (قمر/۵) و واژه «الْبَالِغَةُ» تنها در سوره انعام: «قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ فَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ» (انعام/۱۴۹) آمده است. لذا برخی مفسران بین «حِکْمَةُ بَالِغَةً» سوره قمر و «الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ» سوره انعام پیوند ارتباط ایجاد کردند (نک. مدرسی، ۱۴۲۹، ق، ج ۱۰، ص ۸۶؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹، ق، ج ۷، ص ۴۴۰). با نظری به تفاسیر فریقین درباره ترکیب «حِکْمَةُ بَالِغَةً»، مشاهده می‌شود که برخی مفسران به اختصار، به تبیین و تفسیر آن پرداخته؛ درحالی‌که در برخی تفاسیر به‌ویژه تفاسیر متأخر، مفصل گونه بدان اعتنا کرده‌اند. لذا پژوهش حاضر باهدف پاسخ‌گویی به سؤالات ذیل سامان یافته است:

۱. مراد از «حِکْمَةُ بَالِغَةً» در تفاسیر فریقین چیست؟

۲. چه شاخصه‌هایی برای «حِکْمَةُ بَالِغَةً» در تفاسیر فریقین بیان شده است؟

با نظری به پژوهش‌های صورت گرفته، مقاله عبدالهادی مسعودی با عنوان «مفهوم‌شناسی حکمه بالغه» مشاهده شد. تلاش نویسنده مقاله، از نظر هدف و روش با نوشتار حاضر متفاوت است.

مسعودی ضمن کاوش لغوی، از نظریات مفسران فریقین نیز استفاده کرده و از برخی احادیث معصومان (ع) بهره برده است. وی دو احتمال برای معنای ترکیب «حِکْمَةٌ بِالْغَةِ» در نظر گرفته: یکی حکمتی تام و کامل و دیگری حکمتی رسا و بلوغ. در نهایت به این نتیجه می‌رسد که مراد از «حِکْمَةٌ بِالْغَةِ»، معرفتی استوار، بدون خلل و کاستی و در ذات خود کامل و تمام است (مسعودی، ۱۴۰۰، ص ۸۱). وجه امتیاز پژوهش حاضر با مقاله ارزشمند فوق را به صورت ذیل می‌توان بیان نمود:

۱. استفاده از جدول تحلیل محتوا برای کشف و استخراج مراد و شاخصه‌های «حِکْمَةٌ بِالْغَةِ»؛

۲. شناسایی مصادیق چشم‌گیر برای «حِکْمَةٌ بِالْغَةِ»؛

۳. استخراج دست‌کم شش شاخصه از دریچه تفاسیر فریقین برای ترکیب قرآنی «حِکْمَةٌ بِالْغَةِ».

### روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای و از نظر انجام دادن بر پایه روش تحلیل محتوا با رویکرد کیفی سامان یافته است. بیش از پنجاه تفسیر از تفاسیر فریقین از سده‌های مختلف در جدول (۱) تنظیم شده که به تبیین «حِکْمَةٌ بِالْغَةِ» پرداخته‌اند.

جدول شماره (۱): تحلیل محتوای عبارات تفسیری ویژه تفاسیر شیعی در خصوص «حِکْمَةٌ بِالْغَةِ»

متن تفسیر	مراد از حِکْمَةٌ بِالْغَةِ	شاخصه‌های حِکْمَةٌ بِالْغَةِ
«حِکْمَةٌ بِالْغَةِ» یعنی القرآن حکمة تامة قد بلغت الغاية و النهاية. (طبرسی، بی تا، ج ۹، ص ۲۸۳)	قرآن	حکمتی تامه که رسیده به نهایت و غایت.
حِکْمَةٌ بِالْغَةِ، حکمتی است تمام رسیده که در آن نقصانی نیست. گفته‌اند مراد قرآن است (ابوالفتوح رازی، ۱۳۷۶، ج ۱۸، ص ۲۱۶)	قرآن	تمام / عدم نقصان در آن
آیات کریمه قرآنی و هم دعوت پیامبر (ص) و معجزاتی که برای مردم آورده، بر وفق حکمت و بر اساس تعلیم و تربیت بشر است و نیز به منظور اثبات دعوت و صحت رسالت ایشان است. (حسینی همدانی، ۱۳۸۰، ج ۱۶، ص ۵۲)	-آیات قرآن -فرامین رسول اعظم -معجزات حضرت	مطابق و موافق حکمت
حِکْمَةٌ بِالْغَةِ، یُعْنِي الْقُرْآنُ حِکْمَةً تَامَةً قَدْ بَلَغَتِ الْغَايَةَ فِي الزَّجْرِ. (بغوی، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۳۲۲)	قرآن	حکمت تامه: به نهایت و رشد غایت رسیده

متن تفسیر	مراد از حکمة بالغة	شاخصه‌های حکمة بالغة
وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنْ أَهْلِ مَكَّةَ مِنَ الْأَنْبَاءِ أَيُّ مَنِ أَخْبَارِ الْأُمَمِ الْمَاضِيَةِ الْمَكْذُوبَةِ فِي الْقُرْآنِ مَا فِيهِ مُزْدَجَّرٌ أَيُّ مَنِ مَنْتَهَى وَمَوْعِظَةٌ حِكْمَةٌ بِالِغَةِ يَعْنِي الْقُرْآنَ حِكْمَةً تَامَةً قَدْ بَلَغَتِ الْغَايَةَ فَمَا تُعْنِ النَّذْرُ. (الخازن، ۱۴۱۵ ق، ج ۴، ص ۲۱۸)	قرآن	موعظه و حکمتی تام که به نهایت غایت و بلوغ رسیده است.

جدول شماره (۲): تحلیل محتوای عبارات تفسیری ویژه تفاسیر اهل سنت در خصوص «حکمة بالغة»

متن تفسیر	مراد از حکمة بالغة	شاخصه‌های حکمة بالغة
حکمة بالغة یعنی: جاءهم كلمة بالغة، وهو القرآن یعنی: حکمة وثيقة فما تُعْنِ النَّذْرُ یعنی: لا تنفعهم النذر إن لم يؤمنوا، كقوله: و ما تُعْنِي الْآيَاتُ وَالنَّذْرُ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ. (سمرقندی، بی تا، ج ۳، ص ۳۷۰)	القرآن	حکمت وثیقه
وقوله: *حکمة بالغة* [القمر / ۵] یعنی بِالْحِكْمَةِ الْبَالِغَةِ: هَذَا الْقُرْآنُ. (طبری، ۱۴۲۲ ق، ج ۲۲، ص ۱۱۶)	القرآن	عدم ذکر شاخصه‌ای خاص
حکمة بالغة، یعنی الْقُرْآنُ حِكْمَةٌ تَامَةٌ قَدْ بَلَغَتِ الْغَايَةَ فِي الرَّجْرِ. (بغوی، ۱۴۲۰ ق، ج ۴، ص ۳۲۲)	قرآن	حکمت تامه: به نهایت و رشد غایت رسیده
حکمة بالغة أي في هدايته تعالى لمن هداه وإضلاله لمن أضله فما تُعْنِ النَّذْرُ يَعْنِي أَيُّ سَيِّءٍ تُعْنِي النَّذْرُ عَمَّنْ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِ السَّقَاوَةَ وَحَتَمَ عَلَى قَلْبِهِ فَمَنْ الَّذِي يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ؟ وَهَذِهِ الْآيَةُ كَقَوْلِهِ تَعَالَى: *قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ فَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ* [الأنعام / ۱۴۹] وَكَذَا قَوْلُهُ تَعَالَى: *و ما تُعْنِي الْآيَاتُ وَالنَّذْرُ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ* (يونس / ۱۰۱). (ابن كثير، ۱۴۱۹ ق، ج ۷، ص ۴۴۰)	هدایت خداوند	هدایت و ضلالت برقرار ارتباط با آیه ۱۴۹ انعام الحججه البالغة

مراد از «حکمة بالغة» در تفاسیر فریقین

۱. قرآن

بسیاری از تفاسیر فریقین، مراد از «حکمة بالغة» را قرآن دانسته‌اند. برای نمونه طبرسی در تفسیر مجمع‌البیان می‌گوید:

«حکمة بالغة؛ یعنی القرآن حکمة تامه قد بلغت الغاية و النهاية». (طبرسی، بی تا، ج ۹، ص ۲۸۳)

از نظر شیخ طوسی، حکمه بالغه در آیه ۵ سوره قمر، همان قرآن است. همچنین طبری از مفسران اهل سنت سده سوم قمری نیز مراد از «حِكْمَةٌ بَالِغَةٌ» را قرآن می‌داند: «وَقَوْلُهُ: \*حِكْمَةٌ بَالِغَةٌ\* [القمر / ۵] يَعْني بِالْحِكْمَةِ الْبَالِغَةِ: هَذَا الْقُرْآنُ». (طبری، ۱۴۲۲ ق، ج ۲۲، ص ۱۱۶)

بنابراین در بیشتر تفاسیر فریقین، مراد از «حِكْمَةٌ بَالِغَةٌ»، قرآن بیان شده است (نک). ابوالفتوح رازی، ۱۳۷۶، ج ۱۸، ص ۲۱۶؛ واحدی، ۱۴۱۵ ق، ج ۲، ص ۱۰۴۶؛ شوکانی، ۱۴۱۴ ق، ج ۵، ص ۱۴۶؛ طباطبایی، بی‌تا، ج ۱۹، ص ۵۷؛ مغنیه، ۱۴۲۴ ق، ج ۷، ص ۱۹۱؛ سلطان‌علی شاه، ۱۴۰۸ ق، ج ۴، ص ۱۲۷؛ قرشی بنایی، ۱۳۹۱، ج ۱۰، ص ۴۳۶؛ هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶، ج ۱۸، ص ۱۷۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۳، ص ۲۱-۲۲؛ امین، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۴۲۶-۴۲۷؛ طبری، ۱۴۲۲ ق، ج ۲۲، ص ۱۱۶؛ سمرقندی، بی‌تا، ج ۳، ص ۳۷۰؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲ ق، ج ۴، ص ۱۹۸؛ بغوی، ۱۴۲۰ ق، ج ۴، ص ۳۲۲؛ الخازن، ۱۴۱۵ ق، ج ۴، ص ۲۱۸). هرچند در برخی تفاسیر به صراحت مراد از «حِكْمَةٌ بَالِغَةٌ» بیان نشده و تنها به بیان شاخصه‌های این ترکیب پرداخته شده است. (نک). شیخ طوسی، بی‌تا، ج ۹، ص ۴۴۴؛ طبرسی، ۱۴۲۱ ق، ج ۳، ص ۴۶۳؛ کاشانی، ۱۴۲۳ ق، ج ۶، ص ۵۲۶؛ کاشانی، ۱۳۳۶ ش، ج ۹، ص ۹۶؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ ق، ج ۹، ص ۱۶۲؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹ ق، ج ۷، ص ۴۴۰؛ السعدی، ۱۴۲۰ ق، ص ۸۲۳؛ زحیلی، ۱۴۲۲ ق، ج ۳، ص ۲۵۳۹؛ النووی الجاوی، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۷۰؛ سید قطب، ۱۴۱۲ ق، ج ۶، ص ۳۴۲۹)

## ۲. اعم از قرآن (تعالیم و حیانی و پیامبر اعظم (ص) و دعوت ایشان، معجزات و...)

دایره چيستی «حِكْمَةٌ بَالِغَةٌ» در تفاسیر اندکی، اعم از قرآن اعلام شده و تعالیم پیامبر اعظم (ص) و معجزات و... نیز به «حِكْمَةٌ بَالِغَةٌ» نسبت داده شده است. در میان تفاسیر امامیه به‌ویژه دوره معاصر، گستره شمول «حِكْمَةٌ بَالِغَةٌ» قابل مشاهده است. از میان این تفاسیر می‌توان به تفسیر من وحی القرآن سید محمدحسین فضل‌الله اشاره نمود چنان‌که آمده است:

«في ما جاء به الوحي الإلهي من الأفكار والتعاليم والتشريعات التي تطابق المصلحه العميقه

للإنسان في حياته». (فضل‌الله، ۱۴۱۹ ق، ج ۲۱، ص ۲۸۱)

ایشان به صورت کلی آنچه را در قالب وحی الهی برای تعالیم و قوانین مطابق با حکمت و مصلحت حیات بشری آمده، برای تبیین «حِکْمَةٌ بِالْقَةِ» مطرح کرده است. نمونه دیگر را در تفسیر انوار درخشان در تفسیر قرآن مشاهده می‌کنیم:

«آیات کریمه قرآنی و هم دعوت رسول (ص) و معجزاتی که به مردم ارائه داده است، بر وفق حکمت و بر اساس تعلیم و تربیت بشر است و نیز به منظور اثبات دعوت و صحت رسالت رسول (ص) است.» (حسینی همدانی، ۱۳۸۰، ج ۱۶، ص ۵۲)

بانو مجتهده امین از مفسران شیعه معاصر نیز مصادیق دیگری همچون معجزات انبیا برای «حِکْمَةٌ بِالْقَةِ» را بیان نموده است:

«...شکافته شدن قمر در وقت معینی و نیز تمام معجزات انبیا و عذاب اشقیاء که کیفر اعمال و افعال خود آنان است و نیز امور دیگری که به تقدیر (عزیز علیم) در بعضی اوقات واقع گردیده، تماماً در منتهای درجه حکمت واقع است.» (امین، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۴۲۶-۴۲۷)

از تفاسیر اهل سنت می‌توان به تفسیر ابن کثیر اشاره نمود:

«حِکْمَةٌ بِالْقَةِ أَي فِي هِدَايَتِهِ تَعَالَى لِمَنْ هَدَاهُ وَ إِضْلَالِهِ لِمَنْ أَضَلَّهُ فَمَا تُغْنِي النَّذْرُ يَغْنِي أَي شَيْءٌ تُغْنِي النَّذْرُ عَمَّنْ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِ الشَّقَاوَةَ وَ خَتَمَ عَلَى قَلْبِهِ فَمَنْ الَّذِي يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ.» (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۷، ص ۴۴۰)

ابن کثیر در تفسیر و تبیین «حِکْمَةٌ بِالْقَةِ»، مراد از آن را هدایت‌های حق تعالی بیان نموده است. او در ادامه، «حِکْمَةٌ بِالْقَةِ» را به آیه ۱۴۹ سوره انعام پیوند داده است: «قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ فَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ» (انعام/۱۴۹)

سید قطب از دیگر مفسران اهل سنت قرن چهاردهم است که در تبیین چستی «حِکْمَةٌ بِالْقَةِ»، آن را منحصر به قرآن ندانسته و آن را حالتی ایمانی قلمداد کرده است. وی می‌نویسد:

«وكان فيه من حكمة الله ما يبلغ القلوب ويوجهها الى تدبيره الحكيم. ولكن القلوب المطموسة لا تفتتح لرؤية الآيات، والانتفاع بالأنباء، واليقظة على صوت النذير بعد النذير: \*حِکْمَةٌ بِالْقَةِ فَمَا تُغْنِي النَّذْرُ\*. إنما هو الإيمان هبة الله للقلب المتهيب للإيمان، المستحق لهذا الانعام.» (سید قطب، ۱۴۱۲، ج ۶، ص ۳۴۲۹)

سید قطب در واقع «حِکْمَةٌ بِالْقَةِ» را حالتی تأثیرگذار (برای صاحبان قلب‌های آماده و

پذیرا) در آیات و نشانه‌های الهی تبیین نموده است. هر چند در ادامه و با استفاده از ادات حصر «إنما»، مسأله ایمان را به عنوان موهبت الهی مطرح کرده است.

فخر رازی دست کم دو مراد برای «حِكْمَةٌ بِالْعَقَّةِ» آورده: اولین مراد را قرآن و دومین را هر آنچه مایه ازدجار است بیان کرده:

«أَنْ يَكُونَ بَدَلًا عَنْ مَا فِي قَوْلِهِ: مَا فِيهِ مُرْدَجَرٌ». (رازی، بی تا، ج ۲۹، ص ۲۹۱)

در این وجه، نقش حکمت بالغه، بدل از «ما» است. همچنین وجه دیگری برای «حِكْمَةٌ بِالْعَقَّةِ» بیان نموده است:

«هَذَا التَّرْتِيبُ الَّذِي فِي إِزْسَالِ الرَّسُولِ وَإِبْصَاحِ الدَّلِيلِ وَالْإِنْدَارِ بِمَنْ مَضَى مِنَ الْقُرُونِ وَانْتَقَضَى

حِكْمَةٌ بِالْعَقَّةِ». (رازی، بی تا، ج ۲۹، ص ۲۹۱)

این وجه از سیر حکیمانه ارسال انبیا و انذار حکایت می‌کند. صاحب تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان نیز مراد «حِكْمَةٌ بِالْعَقَّةِ» را ترتیب در فرستادن پیامبران الهی (ع) و روشن شدن دلیل و انذار گذشتگان از قرن‌های گذشته و همچنین حکمت بالغه و کاملی می‌داند که به منتهای بیان و تبیین رسیده است. (قمی نیشابوری، بی تا، ج ۶، ص ۲۱۷)

مشابه چنین نظری در تفسیر روح المعانی آلوسی بیان شده است (نک. آلوسی، ۱۴۱۵، ق، ج ۱۴، ص ۷۸). محمد عزت دروزه از مفسران اهل سنت معاصر نیز حکمت را فراتر از قرآن دانسته است:

«والحكمة هنا هي حكمة الله تعالى. وهي كل ما فيه الهدى والحق والإحكام». (دروزه، ۱۳۸۳،

ق، ج ۲، ص ۲۷۲)

از نظر دروزه، حکمت اشاره شده در این آیه، همان حکمت خداوند را شامل می‌شود که هدایت، حقیقت و استواری در آن است؛ بنابراین برخی مفسران فریقین، مصداق «حِكْمَةٌ بِالْعَقَّةِ» را علاوه بر قرآن، به مواردی نظیر تعالیم و حیانی و پیامبر اعظم (ص) و دعوت ایشان معجزات و... دانسته‌اند. در ادامه به استخراج و بررسی شاخصه‌های «حِكْمَةٌ بِالْعَقَّةِ» خواهیم پرداخت.

### شاخصه‌های «حِكْمَةٌ بِالْعَقَّةِ» در تفاسیر فریقین

پیش‌تر مراد از «حِكْمَةٌ بِالْعَقَّةِ» از دریچه مفسران فریقین بیان گردید. قرآن، هدایت‌های الهی و



تعالیم پیامبر اعظم (ص) و برخی امور چون: معجزات انبیای الهی و سیر حکیمانانه فرستادن پیامبران (ع) از مصادیق «حِکْمَةُ بَالِغَةٍ» شناسایی شد. در ادامه به بیان شاخصه‌های چنین حکمتی از نگاه مفسران فریقین خواهیم پرداخت.

### ۱. درنهایت راستی و استواری، حق، نام و کامل بودن

ویژگی راستی، استواری و حق بودن، یکی از شاخصه‌های «حِکْمَةُ بَالِغَةٍ» در تفاسیر شیعه است. شیخ طوسی در تبیان می‌نویسد:

«حِکْمَةُ بَالِغَةٍ؛ معناه نهایة فی الصواب و غایة فی الرجح بهؤلاء الکفار». (شیخ طوسی، بی تا،

ج ۹، ص ۴۴۴)

ایشان دو شاخصه را در تبیین «حِکْمَةُ بَالِغَةٍ» مطرح می‌کند: الف) درنهایت درستی و ب) درنهایت دافع بودن برای کافران. طبرسی نیز در مجمع‌البیان شاخصه حکمت تامه‌ای را بیان کرده که به نهایت غایت رسیده باشد (طبرسی، بی تا، ج ۹، ص ۲۸۳). ابوالفتوح رازی نیز در تفسیرش، از «حکمت تمام رسیده» یاد کرده است (نک. ابوالفتوح رازی، ۱۳۷۶، ج ۱۸، ص ۲۱۶). واحدی و شوکانی نیز در تفاسیرشان، از «تامه» بودن «حِکْمَةُ بَالِغَةٍ» سخن گفته‌اند (نک. واحدی، ۱۴۱۵، ق، ج ۲، ص ۱۰۴۶؛ شوکانی، ۱۴۱۴، ق، ج ۵، ص ۱۴۶). در زبده‌التفاسیر رسیدن غایت درنهایت و وضوح بیان شده است:

«حِکْمَةُ بَالِغَةٍ، غایتها، أي: بلغت الغایة والنهایة فی الوضوح». (کاشانی، ۱۴۲۳، ق، ج ۶، ص ۵۲۶)

همچنین تفاسیر منهج الصادقین و اثنا عشری، «حِکْمَةُ بَالِغَةٍ» را حکمتی تمام و امری صواب دانسته‌اند (نک. کاشانی، ۱۳۳۶، ش، ج ۹، ص ۹۶؛ شاه عظیمی، ۱۳۶۳، ج ۱۷، ص ۳۷۱). صاحب تفسیر المعین نیز «حِکْمَةُ بَالِغَةٍ» را حکمتی درنهایت و اوج بلوغ و رسیدن معرفی کرده است (کاشانی، بی تا، ج ۳، ص ۱۴۳۳). صفی علی شاه از «حکمت کامل» سخن گفته است (صفی علی شاه، ۱۳۷۸، ص ۷۲۶). تفسیر احسن الحدیث، قرآن یا دعوت به آن را حکمت کامل و سخن حقی دانسته که پر از نفع است و بالغ را به معنای کامل و تمام تبیین نموده است (قرشی بنایی، ۱۳۹۱، ج ۱۰، ص ۴۳۶). مدرسی صاحب تفسیر هدایت از تفاسیر

امامیه معاصر نیز معنای بالغه و بلوغ را تمام و به کمال رسیدن و همچنین حکمت بالغه را سرچشمه گرفته از واقعیات حق<sup>۱</sup> بیان کرده است. (مدرسی، ۱۴۲۹، ق، ج ۱۰، ص ۸۶)

در میان تفاسیر اهل سنت نیز «حِکْمَةٌ بِالْغَةِ»، با شاخصه‌هایی چون: حکمتی تام، وثیق و... معرفی شده است. سمرقندی از مفسران اهل سنت قرن چهارم از واژه «وثیقه» بهره برده است: «حِکْمَةٌ بِالْغَةِ یعنی: جاءهم کلمة بالغة، وهو القرآن یعنی: حکمة وثیقة فَمَا تُفْنِ التُّذْرُ» (سمرقندی، بی تا، ج ۳، ص ۳۷۰) که از ریشه استواری و استحکام است. (جوهری، ۱۴۰۷، ق، ج ۴، ص ۱۵۶۳)

در تفسیر معالم التنزیل آمده است:

«حِکْمَةٌ بِالْغَةِ، یَعْنِي الْقُرْآنُ حِکْمَةٌ تَامَةٌ قَدْ بَلَغَتْ الْغَايَةَ فِي الرَّجْرِ». (بغوی، ۱۴۲۰، ق، ج ۴، ص ۳۲۲)

حکمت تامه‌ای که در نهایت زجر و راندن [برای کافران] است. ثعلبی نیز از حکمت تامه در کنار عدم نقصان داشتن سخن گفته است (ثعلبی، ۱۴۲۲، ق، ج ۹، ص ۱۶۲). حجازی صاحب التفسیر الواضح از تفاسیر معاصر اهل سنت نیز به مسأله بلاغت و تامه بودن اشاره نموده است:

«هذه حکمة بالغة قد بلغت الغاية و وصلت الى النهاية في الإحكام والدقة». (حجازی، ۱۴۱۳، ق، ج ۳، ص ۵۶۸)

این حکمت بالغه‌ای است که در دقت و صحت به نهایت رسیده است. از آنچه گذشت، مشخص می‌شود که در تفاسیر فریقین، شاخصه‌هایی نظیر در نهایت راستی و استواری، حق، تام و کامل بودن مطرح شده است.

## ۲. نبود نقصان در آن

ابوالفتوح رازی در میان مفسران شیعی قرن ششم، «حِکْمَةٌ بِالْغَةِ» را حکمتی تام رسیده تبیین کرده که در آن نقصانی نیست (ابوالفتوح رازی، ۱۳۷۶، ج ۱۸، ص ۲۱۶). در بسیاری از

---

<sup>۱</sup> «والإنسان يحتاج إلى الحكمة البالغة المنطلقة من تلك الواقعات الحق، لكي يعيش فيها كما ينبغي، وهذه نجدها ماثورة في كتاب الله، الحكمة البالغة العظمى، والنعمة الكبرى، والهدية الإلهية إلى الإنسان، وقد بلغها رسوله صلى الله عليه وآله. فلماذا إذن هذا الضلال الذي تعيشه البشرية؟ والجواب: لأنها لم تؤمن به ولم تطبق آياته. إنها وضعت بينها وبين تلك الحكمة حجب الإعراض والتبرير والتكذيب والهوى». (مدرسی، ۱۴۲۹، ق، ج ۱۰، ص ۸۶)

تفاسیر شیعی نیز عدم نقصان و خلل داشتن، از شاخصه‌های «حِکْمَةٌ بِالْغَةِ» دانسته شده است (نک. کاشانی، ۱۴۲۳ ق، ج ۶، ص ۵۲۶؛ فیض کاشانی، بی تا، ج ۵، ص ۱۰۰؛ واحدی، ۱۴۱۵ ق، ج ۲، ص ۱۰۴۶؛ قمی مشهدی، ۱۴۲۳ ق، ج ۱۲، ص ۵۳۱؛ شبر، ۱۴۰۷ ق، ج ۶، ص ۱۱۶؛ شوکانی، ۱۴۱۴ ق، ج ۵، ص ۱۴۶؛ شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳ ش، ج ۱۲، ص ۳۷۱؛ خسروانی، ۱۳۵۰، ج ۸، ص ۱۲۶؛ هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶، ج ۱۸، ص ۱۷۰). علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، به دو واژه «حکمت» و «بالغه» توجه نموده، می‌نویسد:

«الحكمة كلمة الحق التي ينتفع بها، والبلوغ وصول الشيء الى ما تنتهي إليه المسافة ويكنى به عن تمام الشيء وكماله فالحكمة البالغة هي الحكمة التامة الكاملة التي لا نقص فيها من حيث نفسها ومن حيث أثرها». (طباطبایی، بی تا، ج ۱۹، ص ۵۷)

«حکمت به معنای کلمه حقی است که از آن بهره‌برداری شود و کلمه بالغه، از ماده بلوغ است که به معنای رسیدن هر رونده‌ای است به آخرین حد مسافت، ولی کنایه‌وار در تمامیت و کمال هر چیزی هم به کار می‌رود؛ بنابراین "حِکْمَةٌ بِالْغَةِ"، حکمتی است که کامل باشد و از ناحیه خودش نقصی و از جهت اثرش کمبودی نداشته باشد». صاحب تفسیر هدایت نیز عدم راه‌یابی نقص، هم در محتوا و هم در سبک و روش را برای تبیین «حِکْمَةٌ بِالْغَةِ» بیان نموده است:

«والحكمة الإلهية كاملة عمقا وشمولا، لا يعثر عليها نقص في المحتوى ولا الأسلوب».

(مدرسی، ۱۴۲۹ ق، ج ۱۰، ص ۸۶)

در میان مفسران اهل سنت، ثعلبی نیشابوری صاحب تفسیر الکشف و البیان عن تفسیر

القرآن از سده پنجم، به عدم نقصان ویژه «حِکْمَةٌ بِالْغَةِ» اشاره نموده است:

«حِکْمَةٌ بِالْغَةِ تامة ليس فيها نقصان وهي القرآن فما تُغْنِ التُّذْرُ إذا كَذَّبوهم وخالفوهم».

(ثعلبی، ۱۴۲۲ ق، ج ۹، ص ۱۶۲)

ثعلبی ضمن تعیین مراد از حکمت بالغه که آن را قرآن دانسته، به تام بودن و نبود نقص و خللی در آن اشاره کرده است. بعد از ثعلبی و در قرن هشتم، بیضاوی «حِکْمَةٌ بِالْغَةِ» را غایتی عنوان کرده که خلل بردار نیست (بیضاوی، بی تا، ج ۵، ص ۲۶۴). همچنین آلوسی از مفسران سده سیزدهم نیز به این شاخصه اشاره نموده است:

«حِکْمَةٌ بِالْغَةِ أی واصله غایه الأحكام لا خلل فیها». (آلوسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱۴، ص ۷۸)

آنچه از استخراج این شاخصه از تفاسیر فریقین مشاهده شد، فراوانی تفاسیر شیعه در ذکر شاخصه «عدم راه‌یابی و وجود نقصان در آن» در مقایسه با تفاسیر اهل سنت است.

### ۳. وضع شیء در مکان خود

برخی تفاسیر که اختصاص به شیعه دارد، «وضع شیء در مکان خود» را از شاخصه‌های «حِکْمَةٌ بِالْقَةِ» دانسته‌اند. این تعریف را امیر مؤمنان (ع) در مفهوم عدل بیان فرموده‌اند:

«العدل یضع الأمور مواضعها». (صبحی صالح، ۱۳۷۴، ص ۵۵۳)

حسینی شیرازی صاحب تفسیر تفریب القرآن می‌نویسد:

«ذلک الذی قلناه لهم من الأنباء حِکْمَةٌ بِالْقَةِ بِلِقْتِهِمْ وَ قَدْ کَانَ حِکْمَهُ بَوْضِعِ الشَّيْءِ فِي مَوْضِعِهِ وَ لَکِن فَمَا تُغْنِ مَا تُقَدِّمُ التَّنْذِرَ الْإِنذَارَاتِ، بِالنَّسْبَةِ إِلَى مَنْ يَتَعَامَى عَنْهَا». (حسینی شیرازی، بی تا، ج ۵، ص ۲۸۱)

مطابق این نظر آنچه از «انباء» گفته شده، همان حکمت بالغه‌ای است که به آن‌ها رسیده و در ادامه، آن حکمت را «وضع شیء در مکانش» بیان نموده است. سید محمدحسین فضل‌الله نیز در تفسیرش به این شاخصه اشاره می‌کند:

«فی ما جاء به الوحي الإلهي من الأفكار و التعاليم و التشریعات التي تطابق المصلحة العميقة للإنسان فی حياته، لإنسجامها مع الحکمه التي توضع الأشياء فی مواضعها». (فضل‌الله، ۱۴۱۹، ق، ج ۲۱، ص ۲۸۱)

از دیدگاه‌هایی که مراد از «حِکْمَةٌ بِالْقَةِ» را فراتر از قرآن بیان نموده، نظر صاحب تفسیر من وحي القرآن است که در این جهت تعالیم و حیاتی حق تعالی که بر اساس مصلحت حیات بشری آمده، همراه با حکمتی است که اشیاء را در مکان‌های مخصوص به خود قرار می‌دهد.

### ۴. غایتی در نهایت حجت و دلالت

برخی تفاسیر در تبیین «حِکْمَةٌ بِالْقَةِ» و شاخصه‌های آن، به نهایت حجت و دلالت اشاره نموده‌اند. تفسیر هدایت، از تفاسیری است که به حجت بودن حکمت بالغه پرداخته:

«ثم إن الله أوصلها إلى الناس عبر أنبيائه المبلغين، فلا عذر لهم بأنه لم يرسل رسولا، وهذه الآية تشبه قوله تعالى: \* قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ فَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ \* [انعام/۱۴۹] إذن فالحياة ليست فوضی، بل ولها قوانینها و سننھا المستقرّة الثابتة». (مدرسی، ۱۴۲۹، ق، ج ۱۰، ص ۸۶)

از نظر مدرسی، «حِکْمَةٌ بِالْغَةِ» مطرح شده در سوره قمر از جهت حجت و دلالت، مشابهتی با آیه ۱۴۹ سوره انعام دارد که در آن از «حِجَّةٌ بِالْغَةِ» (به معنای دلیل کامل که به حد مغلوب کردن خصم می‌رسد) یاد شده است. محمدجواد مغنیه در تفسیر المبین نیز می‌نویسد: «حِکْمَةٌ بِالْغَةِ بَلَّغَتْ آيَاتِ الْقُرْآنِ الْمَدَى الْأَقْصَى فِي بَيَانِ الْحُجُجِ وَالْمَوْاعِظِ فَمَا تُغْنِي النَّذْرُ إِلَّا مَنْ سَعَى وَرَاءَ مَعْرِفَةِ الْحَقِّ وَالْهُدَايَةِ». (مغنیه، بی تا، ص ۷۰۵)

از نظر وی، حکمت بالغه که به آیات قرآنی در بیان حجت‌ها و موعظه‌ها رسیده، سودی ندارد جز برای کسانی که برای حقیقت و هدایت تلاش می‌کنند. مغنیه در تفسیر الکاشف نیز چنین نظری دارد:

«كل ما جاء في القرآن فهو حكمه بلغت الغاية في العظمة والدلالة على الحق». (مغنیه، ۱۴۲۴ ق، ج ۷، ص ۱۹۱)

هر آنچه در قرآن آمده، آن حکمتی است که در نهایی برای موعظه و دلالت بر حق رسیده است. صاحب تفسیر راهنما نیز خاطر نشان می‌کند که پیام‌های حکیمانه و رسای قرآن، اتمام حجت الهی بر خلق (عدم تأثیر گذاری بر اهل هوا) است. (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶، ج ۱۸، ص ۱۷۰)

این شاخصه، در تفاسیر اهل سنت نیز آمده است؛ برای نمونه ابن کثیر از مفسران قرن هشتم اهل سنت از آیه ۱۴۹ سوره انعام و همچنین آیه ۱۰۱ سوره یونس در جهت تبیین آن بهره جسته است:

«حِکْمَةٌ بِالْغَةِ أَيُّ فِي هِدَايَتِهِ تَعَالَى لِمَنْ هَدَاهُ وَإِضْلَالِهِ لِمَنْ أَضَلَّهُ فَمَا تُغْنِي النَّذْرُ يَغْنِي أَيُّ شَيْءٍ تُغْنِي النَّذْرُ عَمَّنْ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِ الشَّقَاوَةَ وَخَتَمَ عَلَى قَلْبِهِ فَمَنْ الَّذِي يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ؟ وَهَذِهِ الْآيَةُ كَقَوْلِهِ تَعَالَى: \* قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ فَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ \* [انعام / ۱۴۹] وَكَذَا قَوْلُهُ تَعَالَى: \* وَمَا تُغْنِي الْآيَاتُ وَالنَّذْرُ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ \* [يونس / ۱۰۱]». (ابن کثیر، ۱۴۱۹ ق، ج ۷، ص ۴۴۰)

ابن کثیر از مسأله هدایت و ضلالت استفاده نموده و معتقد است که حکمت بالغه، همان هدایت خداوند برای هدایت شوندگان و ضلالت برای گمراهان است که البته این مسأله از طرف پذیرنده و قابل هدایت الهی است که در این زمینه مردم دو دسته می‌شوند: مؤمن و کافر. وی در تفسیر آیه ۱۴۹ سوره انعام نیز از «حِکْمَةٌ بِالْغَةِ» یاد کرده است:

«فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ\* أَيُّ لُهُ الْحِكْمَةُ التَّامَّةُ وَالْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ فِي هِدَايَةِ مَنْ هَدَىٰ وَإِضْلَالِ مَنْ ضَلَّ،\* فَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ\* فَكُلَّ ذَلِكَ بِقُدْرَتِهِ وَمَشِيئَتِهِ وَاخْتِيَارِهِ، وَهُوَ مَعَ ذَلِكَ يَرْضَىٰ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ وَيَبْغِضُ الْكَافِرِينَ». (ابن کثیر، ۱۴۱۹ ق، ج ۳، ص ۳۲۲)

تفسیر «حِکْمَةُ بَالِغَةٌ» به وسیله «الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ» از پیوند این دو ترکیب قرآنی حکایت می‌کند که حکمت و حجت خداوند تام و رساست. همچنین صاحب تفسیر تیسیر الکریم الرحمان، از تفاسیر قرن چهاردهم می‌نویسد:

«وذلك {حِكْمَةٌ} منه تعالى {بِالْبَالِغَةِ} أي: لتقوم حجته على المخالفين ولا يبقى لأحد على الله حجة بعد الرسل». (السعدی، ۱۴۲۰ ق، ص ۸۲۳)

«حِکْمَةُ بَالِغَةٌ» الهی، حجتی بر مخالفان است که بر هیچ انسانی بر خداوند حقی بعد از فرستادن انبیای الهی باقی نماند.

#### ۵. مطابق حکمت و اساس تربیت بشری

در برخی تفاسیر، شاخصه «مطابق حکمت و اساس تربیت بشری» و مفاهیم نزدیک به آن در تبیین «الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ» عنوان شده است؛ برای نمونه، صاحب تفسیر انوار درخشان بر آن است که آیات کریمه قرآنی و هم دعوت پیامبر (ص) و معجزاتی که برای مردم آورده، بر وفق حکمت و بر اساس تعلیم و تربیت بشر و نیز به منظور اثبات دعوت و صحت رسالت پیامبر (ص) است. (حسینی همدانی، ۱۳۸۰، ج ۱۶، ص ۵۲)

صاحب تفسیر من وحی القرآن نیز از مطابقت حکمت و تعالیم و حیانی با مصلحت و زیست بشری یاد کرده است:

«في ما جاء به الوحي الإلهي من الأفكار و التعاليم و التشريعات التي تطابق المصلحة العميقة للإنسان في حياته». (فضل الله، ۱۴۱۹ ق، ج ۲۱، ص ۲۸۱)

به باور نویسنده تفسیر راهنما، پیام‌های انذارگر قرآن، پیام‌های معقول و شناختی است که از حیثه درک بشر دور نیست (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶، ج ۱۸، ص ۱۷۰)؛ بنابراین انذارات قرآن، حکیمانه و بر اساس تربیت انسان‌ها آمده است.

#### ۶. حکمتی برای ابلاغ به نفس‌ها و قلب‌های مستعد

از شاخصه‌های «حِکْمَةُ بَالِغَةٌ»، همانا حکمتی برای رسیدن و ابلاغ به نفوس و قلوب مستعد

بشری است؛ لذا در تفسیر البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن، از تفاسیر شیعی قرن چهاردهم، به این شاخصه اشاره شده است:

«تبلغ النفوس الحیة». (صادقی تهرانی، بی تا، ص ۵۲۸)

صادقی تهرانی حکمت یادشده را برای رسیدن به نفس‌های زنده دانسته است؛ بنابراین عمل بدان هشدارها و مواعظ، شرط این تأثیرگذاری و انذار است؛ به طوری که فضل‌الله در تفسیر من وحی القرآن می‌نویسد:

«لإنَّ قِیمَةَ الْإِنْذَارِ إِنَّمَا تَكُونُ بِالْعَمَلِ، لِأَنَّ دَوْرَ الْعَمَلِ الْمُنْذِرِينَ هُوَ الْإِبْلَاحُ وَالْبَاقِي دَوْرَ الْمَذِينِ أُنْذِرُوا». (فضل‌الله، ۱۴۱۹ ق، ج ۲۱، ص ۲۸۱)

رسالت و نقش انذار دهندگان، همان هشدار است و رسالت و نقش مخاطبان این هشدارها عمل به آن بیم‌ها. مکارم شیرازی نیز معتقد است که این آیات، حکمت بالغه الهی و اندرزهایی است عمیق و رسا، اما این انذارها برای افراد لجوج مفید نیست. بنا بر آیه \*حِکْمَةُ بَالِغَةٍ فَمَا تُغْنِ التُّذْرُ\*، در «فاعلیت فاعل» هیچ نقضی نیست؛ هر چه هست در «قابلیت قابل» است و گرنه آیات الهی، پیامبران بزرگ، اخباری که از امم پیشین رسیده و خبرهایی که از قیامت به آن‌ها داده می‌شود، هر کدام حکمتی بالغ و رساست که می‌تواند در روح و جان آن‌ها اثر بگذارد؛ چنان که کم‌ترین آمادگی روحی وجود داشته باشد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۳، ص ۲۱-۲۲)

در تفاسیر اهل سنت نظیر تفسیر سمرقندی و زاد المسیر، شرط اثربخش بودن انذار، ایمان دانسته شده است (سمرقندی، بی تا، ج ۳، ص ۳۷۰). ابن عطیه از مفسران اهل سنت قرن ششم نیز از ماهیت حکمت که برای پند و اندرز انسان‌ها و بیانی برای خردمندان است سخن گفته:

«یلغ المقصد بها من وعظ النفوس والبیان لمن له عقل». (ابن عطیه، ۱۴۲۲ ق، ج ۵، ص ۲۱۲)

ابوحیان از مفسران سده هشتم نیز اشاره‌ای به رسیدن «حِکْمَةُ بَالِغَةٍ» به اشخاص پذیرنده و عدم انتفاع کافران نموده است:

«وَوَصَّتِ الْحِکْمَةُ بِبَالِغَةٍ لِأَنَّهَا تَبْلُغُ غَيْرَهَا. فَمَا تُغْنِ التُّذْرُ مَعَ هَؤُلَاءِ الْكُفَرَةِ». (ابوحیان

اندلسی، ۱۴۲۰ ق، ج ۱۰، ص ۳۵) ابن عاشور صاحب تفسیر التحریر و التنویر نیز با تبیین و

تحلیل واژه حکمت، در نهایت ماهیت چنین کلامی را مفید برای افراد مستعد و ضلالت برای گمراهان دانسته است (نک. ابن عاشور، ۱۹۸۴ م، ج ۲۷، ص ۱۷۵). همچنین سید قطب در تفسیرش آورده است:

«حِكْمَةٌ بِالْعَقَّةِ فَمَا تُغْنِ التَّنْذِرُ». إنما هو الإيمان هبة الله للقلب المتهيب للإيمان، المستحق لهذا الانعام! وعند هذا الحد من تصوير إعراضهم وإصرارهم، وعدم انتفاعهم بالأنباء، وقلة جدوى النذر مع هؤلاء». (سید قطب، ۱۴۱۲ ق، ج ۶، ص ۳۴۲۹)

زحیلی دیگر مفسر قرن پانزدهم اهل سنت می‌نویسد:

«والحكمة البالغة: هي المؤثرة تأثيراً بالغاً في وعظ النفوس». (زحیلی، ۱۴۲۲ ق، ج ۳، ص ۲۵۳۹)

بنابراین مسأله تربیتی و پذیرش انذارها و شاخصه تربیتی «حِكْمَةٌ بِالْعَقَّةِ»، در تفاسیر فریقین بیان شده است.

### نتیجه

با بررسی بیش از پنجاه تفسیر از تفاسیر فریقین از سده‌های مختلف، باهدف بررسی چپستی مراد و شاخصه‌های «حِكْمَةٌ بِالْعَقَّةِ» آیه ۵ سوره قمر، نتایج ذیل به دست آمد:

- (۱) بیشتر تفاسیر فریقین، قرآن را همان «حِكْمَةٌ بِالْعَقَّةِ» دانسته‌اند. باین حال مصادیقی چون: وحی الهی، تعالیم و معجزات انبیا، سیر ارسال پیامبران (ع) و... نیز علاوه بر قرآن، در دایره مصداقی «حِكْمَةٌ بِالْعَقَّةِ» قرار دارد.
- (۲) شاخصه‌هایی برای «حِكْمَةٌ بِالْعَقَّةِ» استخراج شد که عبارتند از: اول، در نهایت راستی و استواری، حق، تام و کامل بودن؛ دوم، عدم راه‌یابی و وجود نقصان در آن؛ سوم، وضع شیء در مکان خود (این شاخصه تنها در تفاسیر شیعه وجود دارد)؛ چهارم، غایتی در نهایت حجت و دلالت؛ پنجم، مطابق حکمت و برای تربیت بشر؛ ششم، حکمتی برای رسیدن به نفوس و قلب‌های مستعد.
- (۳) در شاخصه‌های استخراج شده ویژه «حِكْمَةٌ بِالْعَقَّةِ»، هم مسائل معرفتی نظیر عدم راه‌یابی نقصان در معنای «حِكْمَةٌ بِالْعَقَّةِ» و هم مسائل تربیتی نظیر حکمتی برای رسیدن و ابلاغ به نفس‌ها و قلب‌های مستعد و پذیرا مشاهده شد.



## منابع

قرآن.

۱. ابن عاشور، محمد طاهر بن محمد (۱۹۸۴ م)، التحرير والتنوير، تونس: الدار التونسية للنشر.
۲. ابن عطية، عبدالحق بن غالب (۱۴۲۲ ق)، المحرر الوجيز في تفسير الكتاب العزيز، المحقق: عبدالسلام عبد الشافي محمد، بيروت: دار الكتب العلمية.
۳. ابن كثير، اسماعيل بن عمر بن كثير (۱۴۱۹ ق)، تفسير القرآن العظيم، المحقق: محمد حسين شمس الدين، بيروت: دار الكتب العلمية، منشورات محمد علي بيضون.
۴. ابوالفتح رازی، حسين بن علي (۱۳۷۶)، روض الجنان وروح الجنان في تفسير القرآن، مصحح: محمدجعفر ياحقي، مشهد: بنياد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۵. ابوحیان الاندلسی، محمد بن يوسف (۱۴۲۰ ق)، البحر المحيط في التفسير، المحقق: صدقي محمد جميل، بيروت: دار الفكر.
۶. امين، نصرت بيگم (۱۳۸۹)، مخزن العرفان در تفسير قرآن، اصفهان: گلپهار.
۷. آلوسی، محمود بن عبدالله (۱۴۱۵ ق)، روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني، تصحيح علي عبدالباري عطية، بيروت: دار الكتب العلمية.
۸. بغوی، الحسين بن مسعود بن محمد بن الفراء (۱۴۲۰ ق)، معالم التنزيل في تفسير القرآن (تفسير البغوي)، المحقق: عبدالرزاق المهدي، بيروت: دار احیاء التراث العربي.
۹. بیضاوی، عبدالله بن عمر (بی تا)، تفسير البيضاوي (انوار التنزيل واسرار التاويل)، بيروت: دار الفكر.
۱۰. ثعلبی، احمد بن محمد بن ابراهيم (۱۴۲۲ ق)، الكشف والبيان عن تفسير القرآن، تحقيق: الإمام ابي محمد بن عاشور، مراجعة وتدقيق: نظير الساعدي، بيروت: دار احیاء التراث العربي.
۱۱. جوزی، جمال الدين ابو الفرج عبد الرحمان بن علي (۱۴۲۲ ق)، زاد المسير في علم التفسير، المحقق: عبدالرزاق المهدي، بيروت: دار الكتاب العربي.
۱۲. جوهري، ابو نصر (۱۴۰۷ ق)، الصحاح تاج اللغة وصحاح العربية، محقق: احمد عبدالغفور عطار، بيروت: دار العلم للملايين.
۱۳. حجازی، محمد محمود (۱۴۱۳ ق)، التفسير الواضح، بيروت: دار الجيل الجديد.
۱۴. حسینی شیرازی (بی تا)، تقریب القرآن الي الاذهان، قم: ايمان.
۱۵. حسینی همدانی، محمد (۱۳۸۰)، انوار درخشان در تفسير قرآن، تحقيق محمدباقر بهبودی، تهران: لطفی.
۱۶. خازن، علاء اللدين علي بن محمد بن ابراهيم (۱۴۱۵ ق)، لباب التأويل في معاني التنزيل، تصحيح: محمد علي شاهين، بيروت: دار الكتب العلمية.
۱۷. خسروانی، عليرضا (۱۳۵۰)، تفسير خسروی، ايران: كتاب فروشی اسلاميه.
۱۸. دروزه، محمد عزه (۱۳۸۳ ق)، التفسير الحديث، قاهرة: دار احیاء الكتب العربية.
۱۹. رازی، فخرالدين (بی تا)، التفسير الكبير (مفاتيح الغيب)، كتابخانه مجازی مدرسه فقاهاهت.
۲۰. زحيلي، وهبة بن مصطفى (۱۴۲۲ ق)، التفسير الوسيط للزحيلي، دمشق: دار الفكر.

۲۱. زمخشری، محمود بن عمرو بن احمد (۱۴۰۷ ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دار الکتاب العربی.
۲۲. السعدی، عبد الرحمان بن ناصر بن عبدالله (۱۴۲۰ ق)، تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان، المحقق: عبدالرحمان بن معلا اللویحق، بیروت: مؤسسه الرسالة.
۲۳. سلطان‌علی‌شاه، سلطان محمد بن حیدر (۱۴۰۸ ق)، بیان السعادة فی مقامات العبادة، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۲۴. سمرقندی، نصر بن محمد بن احمد بن ابراهیم (بی‌تا)، بحر العلوم (تفسیر السمرقندی)، بی‌جا، بی‌نا.
۲۵. سید قطب، سید قطب ابراهیم حسین (۱۴۱۲ ق)، فی ظلال القرآن، بیروت: دار الشروق.
۲۶. شاه‌عبدالعظیمی، حسین (۱۳۶۳)، تفسیر اثنا عشری، تهران: میقات.
۲۷. شبر، عبدالله (۱۴۰۷ ق)، الجوهر الثمین فی تفسیر الکتاب المبین، مقدمه سید محمد بحر العلوم، کویت: شرکتة مکتبة الالفین.
۲۸. شوکانی، محمد بن علی بن محمد (۱۴۱۴ ق)، فتح القدر، بیروت: دار ابن کثیر، دار الکلم الطیب.
۲۹. صادقی تهرانی، محمد (بی‌تا)، البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم: مکتبة محمد الصادقی الطهرانی.
۳۰. صبحی صالح (۱۳۷۴)، نهج البلاغه، قم: مرکز البحوث الاسلامیه.
۳۱. صفی علی شاه، محمدحسن بن محمدباقر (۱۳۷۸)، تفسیر قرآن صفی علی شاه، تهران: منوچهری.
۳۲. طباطبایی، محمدحسین، (بی‌تا)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: منشورات اسماعیلیان.
۳۳. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۲۱ ق)، تفسیر جوامع الجامع، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
۳۴. طبرسی، فضل بن حسن (بی‌تا)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعرفة.
۳۵. طبری، محمد بن جریر بن یزید (۱۴۲۲ ق)، تفسیر الطبری (جامع البیان عن تأویل ای القرآن)، تحقیق: الدكتور عبدالله بن عبد المحسن التركي، دار هجر للطباعة والنشر والتوزیع والإعلان.
۳۶. طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: احیاء التراث العربی.
۳۷. فضل‌الله، محمدحسین (۱۴۱۹ ق)، من وحي القرآن، بیروت: دار الملائک للطباعة و النشر و التوزیع.
۳۸. فیض کاشانی، محمد محسن (بی‌تا)، تفسیر الصّافی، تهران: العلامة الشیخ حسین الأعلمی.
۳۹. قرشی بنایی، سید علی اکبر (۱۳۹۱)، تفسیر احسن الحدیث، قم: دفتر نشر نوید اسلام.
۴۰. قمی مشهدی، محمدرضا (۱۴۲۳ ق)، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، قم: دار الغدیر.
۴۱. القمی النیسابوری، الحسن بن محمد بن حسین (بی‌تا)، تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۴۲. کاشانی، فتح‌الله (۱۳۳۶ ش)، تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران: کتاب‌فروشی محمدحسن علمی.
۴۳. کاشانی، فتح‌الله (۱۴۲۳ ق)، زیادة التّفسیر، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
۴۴. کاشانی، محمد بن مرتضی (بی‌تا)، تفسیر المعین، تحقیق حسین درگاهی، تحت اشراف محمود مرعشی، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی.

۴۵. مدرسی، سید محمدتقی (۱۴۲۹ ق)، من هدی القرآن، چاپ دوم، بیروت: دارالقاری.
۴۶. مسعودی، عبدالهادی (۱۴۰۰)، «مفهوم شناسی حکمه بالغه»، تفسیر و علوم قرآنی، سال اول، شماره دوم، ص ۸۱-۹۶.
۴۷. مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۴ ق)، التفسیر الکاشف، قم: دار الکتاب الإسلامی.
۴۸. مغنیه، محمدجواد (بی تا)، التفسیر المبین، بی جا: بی نا.
۴۹. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، چاپ سی و دوم، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۵۰. نووی الجاوی، محمد بن عمر (بی تا)، راح لبید لکشف معنی القرآن المجید، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۵۱. واحدی، علی بن احمد (۱۴۱۵ ق)، الوجیز فی تفسیر الکتاب، تحقیق صفوان عدنان داوودی، العزیز، بیروت: دار القلم.
۵۲. هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۸۶)، تفسیر راهنما، قم: بوستان کتاب قم.

## References

### Quran

- Abdul Futuh Razi, H. (1997). *Rawd al-jinan wa ruh al-jinan fi tafsir al-Quran*. (M. J. Yaheqi, Ed.). Mashhad: Bunyad-i Pazhuhesh-hayi Islami-yi Astan Quds Razavi. [In Arabic].
- Abu Hayyan al-Andalusi, M. (2000). *Al-Bahr al-muhit fi al-tafsir*. Research by M. J. Sidqi. Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic].
- Al-Qummi al-Neyshaburi, H. (n.d.). *Tafsir ghara'ib al-Quran wa ragha'ib al-furqan*. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah. [In Arabic].
- Al-Sadi, A. R. (2000). *Taysir al-karim al-rahman fi tafsir kalam al-mannan*. Research by A. R. B. Mualla al-Luwayhaq. Beirut: Muassasat al-Risalah. [In Arabic].
- Alusi, M. (1995). *Ruh al-ma'ani fi tafsir al-Quran al-'azim wa al-sab' al-mathani*. (A. A. B. Atiyyah, Ed.). Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah. [In Arabic].
- Amin, N. B. (2010). *Makhzan al-'irfan fi tafsir al-Quran*. Isfahan: Gulbahar. [In Persian].
- Baghwi, H. (2000). *Ma'alim al-tanzil fi tafsir al-Quran (tafsir al-Baghwi)*. Research by A. R. al-Mahdi. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic].
- Beydawi, A. (n.d.). *Tafsir al-Beydawi (anwar al-tanzil wa asrar al-ta'wil)*. Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic].
- Duruze, M. I. (1964). *Al-Tafsir al-hadith*. Cairo: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic].
- Fadlallah, M. H. (1999). *Min wahyil Quran*. Beirut: Dar al-Malak li-l Tabaaah wa al-Nashr wa al-Tawdee. [In Arabic].
- Fayz Kashani, M. M. (n.d.). *Tafsir al-safi*. Tehran: al-Allamah al-Shaykh Husein al-Aalami. [In Arabic].
- Hashemi Rafsanjani, A. (2007). *Tafsir rahnuma*. Qom: Bustan-i Ketab. [In Persian].
- Hijazi, M. M. (1993). *Al-Tafsir al-wadih*. Beirut: Dar al-Jil al-Jadid. [In Arabic].
- Huseini Hamedani, M. (2001). *Anwar-i derakhshan dar tafsir-i Quran*. Research by M. B. Behbudi. Tehran: Lotfi. [In Persian].
- Huseini Shirazi, (n.d.). *Taqrib al-Quran ila al-adhhan*. Qom: Iman. [In Arabic].
- Ibn Ashour, M. T. (1984). *Al-Tahrir wa al-tanwir*. Tunisia: al-Dar al-Tunisiyyah li-l Publishing. [In Arabic].

- Ibn Atiyyah, A. H. (2002). *Al-Muharrar al-wajiz fi tafsir al-kitab al-'aziz*. Research by M. Abdul Salam Abdul Shafi. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah. [In Arabic].
- Ibn Kathir, I. (1999). *Tafsir al-Quran al-'azim*. Research by M. H. Shams al-Din. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, Manshurat Muhammad Ali Beydun. [In Arabic].
- Jowhari, A. N. (1987). *Al-Sihah taj al-lughah wa sihah al-'arabiyyah*. Research by A. A. G. Attar. Beirut: Dar al-Ilm li-l Malabin. [In Arabic].
- Jowzi, J. D. (2002). *Zad al-musafir fi 'ilm al-tafsir*. Research by A. R. al-Mahdi. Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi. [In Arabic].
- Kashani, F. (1957). *Tafsir minhaj al-Sadiqayn fi ilzam al-mukhalifin*. Tehran: Ketabfurushi-yi Muhammad Hasan Ilmi. [In Arabic].
- Kashani, F. (2003). *Zubdat al-tafsir*. Qom: Muassasat al-Maaref al-Islamiyyah. [In Arabic].
- Kashani, M. (n.d.). *Tafsir al-mu'een*. Research by H. Dargahi, under the supervision of M. Marashi. Qom: Ayatollah Marashi Najafi Public Library. [In Arabic].
- Khazen, A. D. A. (1995). *Lubab al-ta'wil fi ma'ani al-tanzil*. (M. A. Shahin, Ed.). Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah. [In Arabic].
- Khosravani, A. R. (1971). *Tafsir Khusravi*. Iran: Ketabfurushi-yi Islamiyyah. [In Persian].
- Makarem Shirazi, N. (1995). *Tafsir namunah*, 32<sup>nd</sup> ed. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah. [In Persian].
- Masoudi, A. H. (2021). The Conceptology of "Perfect Wisdom" (Hekmate Baleqe). *Hekmat-e-Balegheh*, 1(2), 96-81. [In Persian].
- Modarresi, M. T. (2008). *Min hudal Quran*, 2<sup>nd</sup> ed. Beirut: Dar al-Qari. [In Arabic].
- Mughniyeh, M. J. (2004). *Al-Tafsir al-kashif*. Qom: Dar al-Kitab al-Islami. [In Arabic].
- Mughniyeh, M. J. (n.d.). *Al-Tafsir al-mubin*. N.p.: n.p. [In Arabic].
- Nuwi al-Jawi, M. (n.d.). *Marah labid li-kashf ma'ni al-Quran al-majid*. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah. [In Arabic].
- Qarashi Banaie, A. A. (2012). *Tafsir ahsan al-hadith*. Qom: Daftar-i Nashr-i Novid-i Islam. [In Persian].
- Qummi Mashhadi, M. R. (2003). *Tafsir kanz al-daqa'iq wa bahr al-ghara'ib*. Qom: Dar al-Ghadir. [In Arabic].
- Qutb, I. H. (1992). *Fi zilal al-Quran*. Beirut: Dar al-Shuruq. [In Arabic].
- Razi, F. D. (n.d.). *Al-Tafsir al-kabir (mafatih al-ghayb)*. Ketabkhane-yi Majazi-yi Madrasa-yi Feqahat. [In Arabic].
- Sadeqi Tehrani, M. (n.d.). *Al-Balagh fi tafsir al-Quran bi-l Quran*. Qom: Matktabat Muhammad al-Sadiqi al-Tehrani. [In Arabic].
- Safi Alishah, M. H. (1999). *Tafsir-i Quran-i Safi Alishah*. Tehran: Manouchehri. [In Persian].
- Samarqandi, N. (n.d.). *Bahr al-'ulum (tafsir al-Samarqandi)*. N.p.: n.p. [In Arabic].
- Shah Abdulazimi, H. (1984). *Tafsir ithna 'ashari*. Tehran: Miqat. [In Persian].
- Showkani, M. (1994). *Fath al-qadir*. Beirut: Dar Ibn Kathir, Dar al-Kalim al-Tayyib. [In Arabic].
- Shubbar, A. (1987). *Al-Jowhar al-thamin fi tafsir al-kitab al-mubin*. Foreward by M. Bahrul Ulum. Kuwait: Shirkat Maktabat al-Alfayn. [In Arabic].
- Subhi I. S. (1995). *Nahjul balagha*. Qom: Markaz al-Buhuth al-Islamiyyah. [In Arabic].
- Sultan Alishah, S. M. (1988). *Bayan al-sa'adah fi maqamat al-'ibadah*. Beirut: Muassasat al-Aalami li-l Matbouat. [In Arabic].

- Tabari, M. (2002). *Tafsir al-Tabari (jami' al-bayan 'an ta'wil al-Quran)*. Research by A. b. Abd al-Muhsin al-Turki. Dar Hejr li-l Tabaah wa al-Nashr wa al-Tawdee wa al-Aalan. [In Arabic].
- Tabarsi, F. (2001). *Tafsir jawami' al-jami'*. Qom: Muassasat al-Nashr al-Islami. [In Arabic].
- Tabarsi, F. (n.d.). *Majma' al-bayan fi tafsir al-Quran*. Beirut: Dar al-Marefah. [In Arabic].
- Tabatabaie, M. H. (n.d.). *Al-Mizan fi tafsir al-Quran*. Qom: Manshurat Ismailian. [In Arabic].
- Thalabi, A. (2002). *Al-Kashf wa al-bayan 'an tafsir al-Quran*. research by A. M. Ibn Ashour. Reviewed by N. al-Saaedi. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic].
- Tusi, M. (n.d.). *Al-Tibyan fi tafsir al-Quran*. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic].
- Wahidi, A. (1995). *Al-Wajiz fi tafsir al-kitab*. Research by S. A. Dawudi. Beirut: Dar al-Qalam. [In Arabic].
- Zamakhshari, M. (1987). *Al-Kashshaf 'an haqa'iq ghawamid al-tanzil*. Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi. [In Arabic].
- Zuhaili, W. (2002). *Al-Tafsir al-wasit li-l Zuhaili*. Damascus: Dar al-Fikr. [In Arabic]